

این مزار فاتحه خوان های خاص دارد

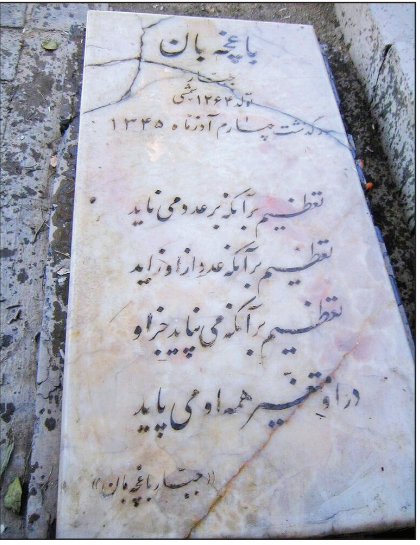
در محله چشمه علی شهری، جایی رو به روی گورستان مشهور ابن بابویه، بیست در آهنی رنگ و رو رفته ای، آرامگاه خانواده گی متروکی دیده می شود. وارد آرامگاه که شوید و روی سنگ قبرها که چشم بگردانید، لایه لای اسمها و عکس های گمنام، مزاری را پیدا می کنید که روی آن نامی آشنا حک شده است؛ «جبار باغچه بان» جمعی از فاتحه خوانان این مزار، اعضای انجمن ناشنویان هستند که هر سال بافارسین آذرماه به اینجا می آیند و با خواندن فاتحه، یاد و خاطره جبار باغچه بان را زنده و دین شان را به این مرد ادا می کنند؛ مردی که با تلاشی خستگی ناپذیر، سکوت دنیایشان را شکست و با ابداع الفبای گویا زندگی شان را معنا بخشید.

مردی که ماندگار شد

کمتر کسی است که در باره زندگی نامه و خدمات ارزنده باغچه بان ننشیده باشد. «میرزا جبار عسگرزاده» معروف به جبار باغچه بان، نخستین کودک کستان ایران را در سال ۱۳۰۲ در تبریز با عنوان باغچه اطفال دایر کرد و به همین دلیل خود را باغچه بان نامید. او نخستین دبستان کر و لال ها را نیز در سال ۱۳۱۳ در تهران پایه گذاری و در همین سال گوشی استخوانی را برای دانش آموزان اختراع کرد و به آنها روش آموزش الفبای دستی را یاد داد.

مزاری غریب در شهری

باغچه بان که در زمان حیاتش آثار ماندگار بسیاری بر جای گذاشت و با وجود مانع تراشی ها و بی مهری های دولتی ها و صاحب منصبان، از پای ننشست و جهان را برای کودکان ناشنوا به جای بهتری تبدیل کرد؛ پس از مرگش هم انطور که باید قدر ندید. او که در سال ۱۳۴۵ شمسی در ۸۱ سالگی بر اثر کبولت سن در گذشت، در محله چشمه علی در زمینی که متعلق به دوست نزدیکش اشتری، بود به خاک سپرده شد.



دروازه طهران

ماجرای ساخت مسجد ۴۰۰ ساله پایتخت

در کوچه مروی تهران، چند قدم مانده به خیابان پامنار، مسجدی ۴۰۰ ساله با اجرای سه سانتی سرخ و زرد دیده می شود که به سه ایوان و هشتی های ورودی اش شهرت دارد. مسجد «آقامحمود»، یکی از قدیمی ترین بناهای کوچه مروی، که به حکیم پاشی معروف است در اواخر دوره صفویه توسط پزشک و تاجر بی نام «آقامحمود» معروف به «حکیم پاشی» ساخته شده است. ورودی مسجد هشتی آجرکاری شده ای دارد و با خم کوتاه، راه به داخل شیستان اصلی باز می شود؛ همانجایی که هر روز نماز جماعت برگزار است. شاخص ترین هنر به کار رفته در ساخت این مسجد آجر کاری است و گنبد بلندی که سقف شیستان را تشکیل می دهد. بنای مسجد آقامحمود در سال ۱۳۶۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

«آقامحمود» که بود؟

ماجرای ساخت مسجد هم جالب و شنیدنی است. آقامحمود کرمانشاهی طبیب و تاجر دوره صفوی و از اهالی کرمانشاه بود و در سال ۱۰۰۷ هجری شمسی در یکی از سفرهایش به شمال شرق کشور یک شب رادر محله پامنار تهران اقامت کرد. البته آن زمان محله ای به این شکل وجود نداشت و سراسر زمین های این محدوده بایر و بیابان بود. آقامحمود صبح که از خواب بیدار شد دستور خرید زمین های اطراف را برای ساخت مسجد و مدرسه دینی داد. چند روز بعد کلنگ ساخت مسجد به زمین زده شد و ۱۰۰ سال بعد، یعنی در سال ۱۰۱۷، ساخت مسجد به پایان رسید و به نام واقف نامگذاری شد.

ساخت ۵ مسجد در عودلجان

بر اساس شواهد تاریخی، آقامحمود معروف به حکیم پاشی، تاجر ثروتمند و نیکو کاری بود و موقوفه هایش فقط به ساخت یک مسجد و مدرسه در پامنار خلاصه نمی شود. به گفته ساکنان قدیمی محله پامنار و بنا بر تاریخ شفاهی این محله، آقامحمود ۵ مسجد در عودلجان ساخته؛ مسجد آقا محمود، مسجد ملک در بازار، مسجد بتول که مخصوص نماز خواندن خلمه ها بود، مسجد پیر مرد و مسجد بیزین در پامنار. دو سرا هم در بازار از دیگر موقوفه های آقامحمود است که برای تأمین مخارج مسجد وقف شده.



درتشر



در این کارگاه به روی زندانیان باز است

فرصت سازی بانوی کار آفرین برای اشتغال خانواده های آسیب دیده

نصبه سجادی
روزنامه نگار

چندبار زمین خورده اما هر بار بلند شده و دوباره روی پاهاش ایستاده و از نو شروع به حرکت کرده؛ آن هم با قدم های محکم تر از قبل. به محض اینکه کسب و کاری راه انداخته و همین که چرخش چرخیده، به یاد مجرماتی افتاده که خانواده هایشان پولی ندارند تا حتی کوچک ترین خواسته شان را بر طرف کنند. «حوریه وارسته» بانوی کار آفرینی است که اکنون یک کارگاه کوچک خیاطی را اداره می کند و چرخ کارگاهش را زندانیان در کنار خانواده های نیازمند و افراد آسیب دیده می چرخانند. او از ووه های بزرگ تری هم دارد و برنامه هایش را طوری چیده که به آنها پرسد؛ مثل ایجاد نمایشگاه تولیدات ایرانی در ارمنستان و کشورهای همسایه برای توانمندسازی همه کسانی که در خدمت تولید هستند.

وقتی انسان دوستی بانوی خیر می شود

خیاطی را در مدرسه یاد گرفته است ولی هیچ گاه فکر نمی کرد همین هنر روزی به کارش می آید و مشکلاتش را با استفاده از آن یکی یکی از سر راه برمی دارد. بانو وارسته سال ۱۳۶۷ ازدواج کرده و همان زمان هم در سازمان فنی حرفه ای به عنوان مربی استخدام شده و به کار جوانان هنر خیاطی آموزش می دهد. او بعد از مدتی تصمیم می گیرد آموزشگاه خودش را راه اندازی کند و این آغاز یک راه طولانی در تولید و کسب و کاری می شود و حمایت از هر کسی که دستش را به سویش دراز می کند، او در این راه از کمک دیگران نیز بهره گرفته است.

وارسته می گوید: «به محض اینکه کسب و کاری رونق گرفت، به سازمان زندان ها رفتم و به مسئولی که آنجا بود گفتم خانواده زندانیان را به من معرفی کند تا در تولید کار کنم. او صاحب زد آمد بشنوند. افراد زیادی را به این صورت جذب کردم. در کنار آن، هر روز ماشین نمی گرفتیم و کارهایم را به زندان می بردم تا دختر و پسرهایی که در مسننین پایین مرتکب بزه و گرفتار زندان شده بودند و نییه مالی ضعیفی داشتند بتوانند کار کنند و در آمد داشته باشند.»

کمک به همونوع به همراه برادر

سال ها به همین منوال گذشته و یک کارگاه حوریه خانم ۳ تا شده و الان دیگر اوضاعش آنقدر خوب شده که بتواند دست افراد بیشتری را بگیرد. او می گوید: «از سازمان زندان ها با من تماس می گرفتند، مثلاً می گفتند دبه فلان زندانی تأمین شده، فقط ۱۴ میلیون مانده که اگر پرداخت نشود، حکمش اجرا می شود. من هم سریع پول را وارز می کردم.» برادر حوریه وارسته هم از خبران محله است. وارسته مشکلات نیازمندان را با برادرش هم در میان می گذارد و او را نیز با خود همراه می کند. وارسته درباره همراهی برادرش اینطور توضیح می دهد: «یک بار دختری به من معرفی شد که پدرش زندانی بود. خرج دانشگاه و تحصیلش را از برادرم می گرفتم و سال ها هر هزینه تحصیلی او را پرداختم.» در سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ حوریه وارسته و برادرش دست افراد زیادی را گرفته اند، آنهایی که به دلیل خطای جوانی در زندان بودند یا زندانی مالی بودند که با پرداخت دیده گره از کارشان می گشودند. وارسته می گوید: «وضع کار که رو به راه بود زندانیان بسیاری را که آزاد شده بودند، ولی جایی به آنها نمی دادند در کار گاهم مشغول کرده بودم.»

همت بلند آری برای روی ناخوش زندگی

زندگی همیشه روی خوش ندارد و اتفاقات بد هم بخشی از آن است. سال ۱۳۹۲ برادر این بانوی کار آفرین سسکته مغزی می کند و از دنیا می رود. فوت برادر اوضاع روحی او را هم بی می رسد و امکان کار کردن را از او می گیرد. برای همین یکی یکی کارگاه هایش را از دست می دهد: «بعد از ۲ سال به خودم امدم و دیدم هیچ چیز ندارم و مانده ام با یک دنیا قرض و قسط. نمی دانستم چطور باید این بدیهی ها را بپردازم. دیدم اینطور نمی شود. تنها توخ خودم، که داشتم زندگی یک خانواده را نابود می کردم.»

بالاخره با علی می گوید و بعد از ۲ سال از جایش

دست بالای دست بسیار است

همچنان با قوت به کارش ادامه می دهد تا به قول خودش و خانواده زندانیان عمل کند و آن اینکه همه تلاشش را می کند تا سفرهای بی نان نماند. وارسته معتقد است: «الان با تمام قدرت به کارم ادامه می دهم، ولی بخش زیادی از درآمد برای پرداخت اجاره بها کارگاه هزینه می شود؛ پول و سرمایه ای که می توانست صرف گسترش کارگاه شود تأثیر و های بیشتری جذب شوند. اگر دولت حامی مالی پیدا شود و جایی برای کار به ما بدهند، قادرم افراد بیشتری را جذب و خانواده های زیادی را تحت پوشش قرار دهم.»

او می افزاید: «ویروس کرونا که آمد بخش زیادی از درآمدمان از محل دوخت و توزیع کیسه های پارچه ای کم شد اما توانستیم با

خاطرات شفاهی خیابان جیحون

با پول یک جفت جوراب خانه می خریدیم

بهاره خسروی
روزنامه نگار



خانه ۶۰۰۰ هزار تومانی

«مجنتی حقی» از اهالی قدیمی خیابان جیحون که از سال ۱۳۳۲ در این خیابان ساکن است با یادی از خاطرات قدیمی تعریف می کند: «قدیم ها، رابطه مستاجر و صاحبخانه مثل امروز سرد و بی روح نبود. بیشتر روابط دوستانه بود حتی وقتی مستاجر جابه جا می شد، صاحبخانه از این وضعیت ناراحت می شد و بیشتر جابه جایی مستاجران برای خرید خانه یا ماموریت کاری بود. همسراه خانواده در حوالی خیابان لشکر زندگی می کردیم، بعد از مدتی جابه جا و در خیابان هاشمی ساکن شدیم. اما متأسفانه سر خیابان گلوداری بود و وجود خسراتی مثل گنه ما را از می داد. چندبار به شهرداری وقت آن دوره اعتراض کردیم، اما راه به جایی نداشت به همین دلیل هاشمی به سمت بالای خیابان جیحون نقل مکان کردیم. آن موقع من با ۶۰۰۰ هزار تومان خانه خریدم. در واقع چیزی کمتر از پول یک جفت جوراب در روز کار فعلی صاحبخانه شدم.»

بازار میوه و تره بار کارون شرکت برق بود

قدیم ها مثل امروز همه اسباب و امکانات اولیه زندگی حاضر و آماده نبود اما در عوض دلخوشی های مردم ساده اما از زمیند بود. «علی موسوی» از دیگر اهالی خیابان جیحون از ماجرای ورود برق به خانه های اهالی تعریف می کند: «همین میدان میوه و تره بار کارون شرکت برق فروزان و یک کارخانه خصوصی بود. هر کدام از اهالی وسیع مالی خوبی داشت خانه اش

رودخانه قاطر کش خیابان جیحون

بیشتر این محدوده متعلق به امیر الملک خانی بود که صاحب بیشتر املاک و اراضی این محدوده بود. آن زمان در محدوده کن و سولقان رودی بود

خبر

هشدار جدی به یک مرکز تجاری یونک



مرکز تجاری، اداری بوستان در ضلع شمال غرب یونک در منطقه ۵ به دلیل گزارش های متعدد سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی برابر دستور مقام قضایی در آستانه پلمب و تعطیلی قرار گرفته است. احسان شریفی، شهردار منطقه ۵ در این باره گفت: «کمیسون رفیع خطر در منطقه در ۲ نوبت با همکاری نیروی انتظامی، اخطارهای مورد نظر را به هیأت مدیره مجتمع تجاری، اداری بوستان ابلاغ کرده است. متأسفانه اقدام اصولی و مناسبتی برای ایمن سازی این مجموعه بزرگ صورت نگرفته است.»

کام اهالی سر خه حصار شیرین می شود



۳۰ پروژه امکان سنجی فنی-اقتصادی در بوستان جنگلی سر خه حصار در قالب ۲۲ بسته سرمایه گذاری تعریف شده است. شهردار منطقه ۱۳ در این باره گفت: «این پروژه ها شامل رستوران سنتی، بیست موتور چهار چرخ، کارتینگ آموزشی، مجموعه خدماتی- تفریحی، آرگانیک فارم، آقامگاه بوم کلیه، باغ گیاه شناسی و پارک های علم و فناوری هیجان انگیز است.» محمد هادی علی احمدی ادامه داد: «علاوه بر اینها پارکینگ و کافی شاپ، رستوران حوضچه، رستوران غذاهای آرگانیک، زمین تنیس، شهر بازی، کافه های تولد، همایش، مجموعه های رمپ و مجموعه ورزشی، مزرعه کاشت گیاهان دارویی، مینی گلف و نمایشگاه گل و گیاه از دیگر طرح های منظر در تبدیل بوستان جنگلی سر خه حصار به قطب گردشگری است.»

کپ منطقه ۴

کاهش ۲۰ درصدی ترافیک محله تهرانپارس

با بهره برداری از تقاطع غیر هم سطح بزرگراه شهید باقری و خیابان فرجام، پیش بینی کارشناسان ترافیک درباره کاهش ۱۵ درصدی بار ترافیک این محدوده درست از آب درآمد. با گذشت یک ماه از بهره برداری از تقاطع غیر هم سطح بزرگراه شهید باقری و خیابان فرجام، رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی منطقه ۴ از کاهش بار ترافیک این محور خبر داد و گفت: «با افتتاح یل سواره رو هم اکنون حداقل ۲۰ درصد از بار ترافیک محور باقری در محدوده خیابان فرجام کم شده است.» سرهنگ «محمد بهاری» افزود: «حتی در شرایط بارندگی و روزهای بارانی هم ترافیک این محدوده روان و طویل ترافیک کمتر از یک کیلومتر است به طوری که تا خیابان ۱۹۶ هم نمی رسد. پس به طور قطع می توان گفت خوشبختانه پیش بینی کارشناسان ترافیک از کاهش بار ترافیک این محدوده درست از آب در آمده است.» رئیس پلیس راهور منطقه ۴ درباره ترافیک سنگین این تقاطع غیر هم سطح در روزهای اول افتتاح ادامه داد: «در روزهای اول بار ترافیک به دلیل استقبال شهروندان از پل و نبود چراغ زمان دار این محدوده ترافیک نسبتاً سنگینی داشت اما با گذشت چند روز و بانصب چراغ زمان دار این مشکلات رفع و معبر آرام شد.»

نقل قول

اجرای طرح های بزرگ گردشگری در بی بی شهر بانو

فاز یکم طرح ساخت قطب تفریحی- گردشگری در محدوده کوه بی بی شهر بانو (بوستان ماری) بهممن ماه افتتاح می شود. شهردار منطقه ۲۰ در جلسه کارگروه پروژه های قابل افتتاح در بهممن سال ۱۴۰۱ در تسریع در اجرای فاز یک این طرح تأکید کرد و گفت: «عملیات اجرایی ساخت قطب تفریحی- گردشگری بی بی شهر بانو طی ۱۳۲ روز در مجاورت بزرگراه امام علی (ع) و کوچه های زیارتگاه بی بی شهر بانو آغاز شده و فاز اول آن که شامل معابر اصلی و آلمان های پارکی در مساحت ۱۷ هکتار است بهممن ماه آماده بهره برداری خواهد بود.» «سید محمد ناظم رضوی» با بیان اینکه محدوده جنگل کاری محوطه کوه بی بی شهر بانو با وسعت ۱۰۰ هکتار پیش بینی شده است، افزود: «طرح ساخت این بوستان با هدف ایجاد مجموعه توریستی، تفرجگاه کوهستانی، دریاچه مصنوعی، بیست دو چرخ سواری، باغ راه و... از ضلع شرق بزرگراه امام علی (ع) تا کوه های اطراف بی بی شهر بانو اجرا خواهد شد.» او پیشرفت ۵۰ درصدی این پروژه یاد کرد و گفت: «لازم است جامنایی و نصب پل معلق، نصب آلاچیق، بهبود وضعیت فضای سبز این محدوده، پیگیری ساخت مجموعه شهر بازی، جامنایی دریاچه، اجرای اقدامات ترافیکی، اجرای پیاده راه برای دسترسی شهروندان به این پروژه تا بقعه بی بی شهر بانو در برنامه کاری حوزه های مربوطه قرار بگیرد.»

